

مبانی حجاب و عفاف در قرآن کریم

مجتبی فلاح

محسن قنادزاده

فصلنامه (علمی- تخصصی) مطهر، سال هفدهم، شماره ۵۵، زمستان ۱۳۹۹

چکیده

«حجاب و عفاف» در قاموس بشری، واژه‌های آشنایی هستند که در گذر زمان از سنت به سوی مدرنیته، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است. در این میان مردان و زنان (به خصوص زنان) در مسیر تند باد حرکت به سوی مدرنیسم، در معرض برهنگی فرهنگی و فرهنگ برهنگی قرار گرفتند تا در توسعه سرمایه داری نقش خویش را ایفا کنند. اما با گذر زمان از هویت و شخصیت و ماهیت خود بیشتر دور شدند، و در یک حرکت جدید با بازگشت دوباره به سوی منیت خویش و توجه به سرشت و طبیعت و احتیاجات حقیقی خود در میان معنویت، هویت خویش را در «عفاف و حجاب» جستجو کردند. نگاهی به مبانی «حجاب و عفاف» که برخاسته از حقایق دین و در افق بالاتر از عالم ماده تدوین و تبیین شده است، در عصر برهنگی، تنها پاسخ مثبت و حقیقی به نیازهای درونی و بازگشت به گرایش‌های فطری جامعه انسانی است که سلامت، امنیت، معنویت و کمال را در خانواده و اجتماع میسور می‌سازد؛ و این انتخاب تنها راه رسیدن به کمال و سعادت الهی است، مبانی و ریشه و راه‌های این حقیقت را می‌توان از بطن قرآن و روایت‌های اصیل اسلامی به دست آورد. از این روی در این مقاله «مبانی عفاف و حجاب» از قرآن مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق به صورت تحلیل محتوای است که به شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. امید است این تحقیق در توسعه فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه تأثیرگذار باشد.

واژگان کلیدی: حجاب و عفاف، فرهنگ، قرآن کریم.

مقدمه

بدون تردید پوشش اسلامی برای زنان، از ضروریات دین مقدس اسلام است، چنان که آیات متعددی از قرآن بر این مطلب دلالت دارند. ۱. از طرفی مسأله حجاب یکی از جنجالی‌ترین مسائل دنیای دیروز و امروز است، به ویژه طرفداران اعلامیه حقوق بشر، که با عنوان کردن «تساوی حقوق زن و مرد»، پوشش را برای زن دست و پاگیر دانسته، و آن را برخلاف آزادی قلمداد و به عنوان حمایت از حقوق زن، مطرح می‌نمایند، این مسأله را بسیار حسّاس نموده است، در صورتی که پوشش اسلامی را باید در مجموع ابعادش مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، که با توجه به مجموع، به نفع زن و جامعه است، و نه تنها دست و پا گیر نیست و تضادی با آزادی ندارد، بلکه زنان در عین حفظ پوشش اسلامی، می‌توانند برترین فعالیت‌های اجتماعی را داشته باشند، و در چارچوب آزادی‌های صحیح و مقبول، از حق آزادی خود بهره‌مند گردند، زیرا حجاب در اسلام به معنای پرده نشینی نیست، بلکه به معنای پوششی معقول برای جلوگیری از فساد، و حفظ کرامت زن است، و ما امروز در جمهوری اسلامی ایران می‌بینیم که زنان در همه صحنه‌ها و عرصه‌ها، از مجلس قانون‌گذاری گرفته تا آموزش و پرورش و بیمارستان‌ها و ادارات، می‌توانند در چهارچوب حفظ پوشش اسلامی، به کار و تلاش بپردازند، بی آن که حجاب اسلامی برای تلاش‌های آنان، مشکلی ایجاد کند، و حق آزادی صحیح آن‌ها را تضییع نماید.

حجاب در اسلام از یک مسأله کلی‌تر و اساسی‌تری ریشه می‌گیرد، و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی، اختصاص یابد، اجتماع منحصر برای کار و فعالیت باشد، برخلاف سیستم غربی عصر حاضر، که کار و فعالیت را با لذت‌جویی‌های جنسی به هم می‌آمیزد، اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.

مفهوم حجاب

حجاب را از دو بعد لغوی و اصطلاحی می‌توان تعریف کرد که در بعد لغوی در ساده‌ترین تعریف حجاب به معنی پوشش و فاصله میان دو چیز معنا شده است؛ چنان که ابن منظور می‌نویسد: «الحجاب: الستر... و الحجاب اسم ما احتجب به و کل ما حال بین شیئین: حجاب... و کل شیء منع شیئاً فقد حجب به...» ۱؛ (ابن منظور، ۲۰۰۰ م، ج ۴: ۳۶) «حجاب به معنای پوشانیدن است و اسم چیزی است که پوشانیدن با آن انجام می‌گیرد و هرچیزی که میان دو چیز، جدایی می‌اندازد، حجاب گویند و هر چیزی که مانع از چیز دیگر شود او را حجب نموده است.»

و در کلامی دیگر خداوند متّان می‌فرماید: «و من بنینا و بینک حجاب.» ۲ (سوره فصلت: آیه ۵)؛ «میان ما و شما حاجز و فاصله‌ای در نحله و دین وجود دارد، نیز بدین معنا به کار رفته است.»

شهید مطهری در مورد واژه «حجاب با تأکید بر مفهوم پوشش بیان می‌کنند: «کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش است، و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر

پوششی حجاب نیست، آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. در قرآن کریم در داستان سلیمان، غروب خورشید را این طور توصیف می‌کند: «حَتَّى تَوْرَاتَ بِالْحِجَابِ» ۳، (سوره ص: آیه ۳۲) «تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد»، پرده حاجز میان قلب و شکم را «حجاب» گویند. ۴ (مطهری، ۱۳۵۳: ۶۳)

در کتب لغت فارسی نیز برای واژه «حجاب» معنای مختلفی مانند: «پرده، ستر، نقابی که زنان چهره خود را به آن می‌پوشانند، روی بند، برقع، چادری که زنان سرتاپای خود را بدان می‌پوشانند.» ۵ (معین، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۳۴۰ / عمید، ۱۳۶۷: ۵۵۷) آمده است. در کل می‌توان گفت حجاب به معنی پوشش، بدیهی ترین تعریفی است که می‌توان به آن اشاره کرد.

به نظر می‌رسد واژه «ستر» در طول زمان به «پوشش» تغییر یافته است که زن در پس پوششی مانند حجاب خود را در جامعه از گزندهای مختلف مصون می‌دارد. چنان که «حجاب در علوم چون عرفان و طب و شاید دیگر علوم اصطلاح خاصی دارد؛ اما این واژه در قرآن و حدیث نیز با عنایت به همین معنای لغوی به کار رفته و معنای خاصی پیدا نکرده است. در دوران متأخر این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده و به پوشش خاص زنان اطلاق شده است.» ۱ (جمشیدی، ۱۳۸۶: ۲)

«شهید مطهری در مورد واژه «ستر» و تغییر آن به «پوشش» می‌نویسد: «مورد استعمال کلمه [ستر به پوشش در مفهوم] حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقهاء، کلمه «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است. فقها چه در کتاب الصلوه و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده‌اند، کلمه ستر را به کار برده‌اند، نه کلمه حجاب را. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می‌بردیم، زیرا چنان که گفتیم معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. پوشش زن در اسلام، این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بیوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.» ۲ (مطهری، ۱۳۵۳: ۶۴)

فلسفه حجاب

یکی از نکات اساسی که زمینه‌ای برای عمل به احکام است شناخت جایگاه هرچیز در نظام هستی است. البته در نظامی که خداوند متعال در جای جای آن دیده می‌شود و ارتباط اشیا و اعمال با خداوند بسیار مشهود است و با درک این ارتباط و حضور، بسیاری از مشکلات زندگی بشر حل می‌شود. «حق» به عنوان زیباترین و پسندیده‌ترین واژه آفرینش در تمامی ادیان و جوامع بشری مورد توجه قرار گرفته است و حقوق و ادای آن‌ها فراتر از زمانها و مکانها و اشخاص و ادیان است.

در واقع هر فردی از هر طبقه اجتماعی و از هر دین و ملیت، نسبت به ادای حقوق دیگران حساسیت نشان می‌دهد و این مطلب، حق و حقوق را فرازمانی و فرامکانی می‌کند. برخی از اندیشه‌گران و حکیمان بر این باورند که حجاب، حق‌الله است و در این باره می‌گویند: «حرمت زن نه اختصاص به خود زن دارد و

نه مال شوهر و نه ویژه برادر و فرزندانش می‌باشد. همه اینها اگر رضایت بدهند، قرآن راضی نخواهد شد، چون حرمت زن و حیثیت زن به عنوان حق‌الله مطرح است. لذا کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دادم.

از اینکه قرآن می‌گوید: هر گروهی، اگر راضی هم باشند، شما حد الهی را در برابر آلودگی اجرا کنید، معلوم می‌شود عصمت زن حق‌الله است. (۶) پر واضح است که آدمی نمی‌تواند حقوق الهی را کاملاً ادا کند ولی با انجام برخی کارها می‌تواند رضایت الهی را به دست آورد. حضرت رسول (ص) می‌فرماید: «حقوق خداوند متعال بزرگتر از آن است که توسط بندگان ادا شود و نعمت‌های خداوند بیشتر از آن است که به شمارش آید» (۷) و حضرت علی (ع) می‌فرماید: «خداوند بر بندگان حقی قرار داده و آن این است که او را اطاعت کنند.» (۸) اگرچه حق خدا بزرگ است و قابل ادا نیست ولی ادای وظایف و اطاعت از خداوند متعال به نوعی ادای حق محسوب می‌شود. حجاب که امر خداست و شارع مقدس به عنوان یکی از احکام ضروری دین آن را واجب کرده است باید حفظ شود.

حفظ این واجب الهی اطاعت از اوست و اطاعت از او حقی است که بر بندگان نهاده است و هر انسان باورمندی باید تعبداً و نه فقط به خاطر مصالح عمومی و... این حق و حد الهی را ادا کند. پس حکمت حجاب، سنجش میزان عبودیت و اطاعت بندگان است. بانوان با حفظ حجاب می‌توانند اطاعت را که روح و پیام اصلی عبادات بشر است اثبات کنند و در زمره اطاعت‌کنندگان الهی قرار گیرند. بانوان به عنوان نیمی از جامعه اسلامی که در دامن خود انسان‌های پاک و برجسته می‌پروراند، دارای حرمت و احترام ویژه‌ای می‌باشند. آنان معلمان عاطفه هستند و پیکره اجتماع، با محبت و تربیت آن‌ها استوار خواهد ماند. مفسران و اندیشه‌گران بر این باور هستند که «قرآن کریم وقتی درباره حجاب سخن می‌گوید، می‌فرماید: حجاب عبارت است از یک نحوه احترام گذاردن و حرمت قائل شدن برای زن که نامحرمان او را از دید حیوانی ننگرند. در قرآن علت و فلسفه حجاب را چنین ذکر می‌کند که: ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین، یعنی برای اینکه شناخته نشوند و مورد اذیت واقع نگردند، چرا که آنان تجسم حرمت و عفاف جامعه هستند و حرمت دارند.» (۹)

با اندکی تدبر در آیات قرآن فلسفه حجاب را به گونه‌ای صریح می‌بینیم و می‌یابیم که احترام و حرمت زن، فلسفه حقیقی و یا یکی از فلسفه‌های حجاب است برآستی اگر معرفت انسان به شریعت و تعالیم دینی بالا رفته و قرآن را که آئین‌نامه سعادت و کمال بشر است درک کند، به عظمت حجاب پی برده و می‌فهمد بدحجابی و بی‌حجابی ثمره عدم معرفت و شناخت حقیقی جایگاه زن در هستی است.

خداوند در آیه ۳۱ سوره نور حکم حجاب را به گونه‌ای صریح و آشکارا مطرح نموده و علاوه بر ظرافت‌های خاصی که در نوع پوشش زنان وجود دارد، اشخاص محرم را نیز ذکر می‌کند تا نامحرمان بازشناسانده شوند و در پایان فلسفه پوشش بیان شده است که زینت‌ها و زیبایی‌های زنان در مقابل نامحرم آشکار نشود، تا آن‌ها مورد توجه نگاه‌های ناپاک قرار نگیرند و احترام آنان حفظ گردد. در آیه

دیگر حرمت و شخصیت زن به عنوان فلسفه حجاب مطرح می‌شود: «ای پیامبر به زنان و دخترانت و زنان مومن بگو، پوشش خود را بر خود فرو پوشند.

این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند.» (احزاب، آیه ۵۹) در این آیه زنان و دختران پیامبر و زنانی که همسر مردان مومن هستند از دیگر زنان جامعه آن روز جدا می‌شوند و حکم حجاب برای این زنان محترم آورده می‌شود. از ظاهر آیه می‌توان دریافت که حجاب به خاطر احترام و حرمت زنان بوده و مقام آنان به قدری والا است که باید از طریق حجاب شناخته شوند؛ مبدا مانند زنان کفار مورد اذیت و آزار قرار گیرند. این دسته از زنان به خاطر اعتقادات و باورهای دینی، دارای ارزش و مقامی افزون از دیگران هستند و حرمت آن‌ها باید مورد شناسایی قرار گیرد.

آثار اجتماعی حجاب

هر عملی که افراد جامعه انجام می‌دهند، در نگاه کلان اثر مستقیم در اجتماع دارد زیرا از خانواده که واحد کوچک اجتماعی است جامعه تشکیل می‌شود و همان‌گونه که رفتار فرد در جامعه موثر است، اشخاص نیز از اجتماع و قوانین آن تاثیر می‌پذیرند. حجاب علاوه بر آثار شخصی و شخصیتی، دارای آثار اجتماعی است. جامعه‌ای که در آن بانوان با حفظ حدود و حقوق دیگران ظاهر می‌شوند و موجب تخریب روح و جسم هموعان خود شده و محیط آرام و امنی را برای جوانان فراهم سازند، به سوی سعادت و سلامت روانی پیش خواهد رفت.

اگر زنان جامعه باحجاب باشند، هم مردان از نظر طهارت روح و جسم سالم می‌مانند و هم در جامعه، سلامت خانوادگی حفظ خواهد شد و محیط خانواده تحت تاثیر خودنمایی‌های عده‌ای از زنان بدحجاب و بی‌حجاب قرار نمی‌گیرد و هم مراکز اجتماعی مثل اداره‌ها و بیمارستان‌ها و... در کمال سلامت رفتاری خواهند بود و بزهکاری‌های اجتماعی به حداقل خواهد رسید.

حضرت امام خمینی (ره) در مورد فعالیت اجتماعی واشتغال زنان همیشه این نکته را بیان می‌کردند که: «فعالیت اجتماعی، سیاسی کنید ولی حدود شرعی از جمله رضایت همسر را رعایت کنید.» (۱۰) بسیاری از پرونده‌های ضداخلاقی از عدم رعایت حدود شرعی نشأت گرفته است و آمار جنایی ذکر شده همواره زنگ خطری بوده که اندیشه گران تربیتی را نگران می‌ساخته است. یکی از آثار اجتماعی حجاب، حفظ اجتماع و سلامت اجتماعی خانواده است، بالا رفتن درصد طلاق در کشور ما زنده‌ترین شاهد این مطلب است.

از روزی که حجاب دچار تغییر و تحول شد و آزادی‌های تعریف نشده در جامعه ما پا گرفت، سطح طلاق به مقدار نگران‌کننده‌ای بالا رفته و میزان ازدواج رو به کاهش نهاده است و این جزء آثار اجتماعی بی‌حجابی است که جامعه را در درازمدت به ورطه هلاکت می‌رساند. البته آثار مثبت حجاب و پیامدهای منفی بی‌حجابی به اینجا ختم نمی‌شود.

وقتی که به صحنه تفکرات عالم نگاه می‌کنیم و بینش اسلام را مشاهده می‌نماییم، به روشنی در می‌یابیم که جامعه بشری هنگامی خواهد توانست نسبت به مسئله زن و رابطه زن و مرد، سلامت و

کمال مطلوب خود را پیدا کند که دیدگاه‌های اسلام را بدون کم و زیاد و بدون افراط و تفریط درک کند و کوشش نماید آن را ارائه کند. اسلام می‌خواهد که رشد فکری، اجتماعی، سیاسی، علمی و بالاتر از همه فضیلتی و معنوی زنان به حد اعلا برسد و وجودشان برای جامعه و خانواده بشری حداکثر فایده و ثمره را داشته باشد. همه تعالیم اسلام از جمله مسئله حجاب، بر این اساس است. مسئله حجاب به معنی منزوی کردن زن نیست. مسئله حجاب به معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی‌قید و شرط زن و مرد در جامعه است. این اختلاط به ضرر جامعه و به ضرر زن و مرد و بخصوص به ضرر زن است. حجاب به هیچ‌وجه مزاحم و مانع فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و علمی نیست.

سیر تاریخی حجاب

بنابر گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق اقوام و ملل، حجاب در میان زنان معمول بوده، هر چند فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان تشدید یا تخفیف یافته است ولی هیچ‌گاه به طور کامل از میان نرفته است.

«مورخان به ندرت از اقوامی بدوی یاد می‌کنند که زنان شان دارای حجاب مناسب نبوده یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می‌شدند. تعداد این اقوام به قدری نادر است که در مقام مقایسه - به قول اندیشمندان - قابل ذکر نیستند و شاید بتوان گفت: وجود برخی موانع سبب جلوگیری از بروز تمایلات و استعدادهای فطری و طبیعی آنان شده است و یا عواملی باعث انحراف آنان از مسیر فطرت گشته است.» (محمّدی آشنانی، ۱۳۷۳: ۲۲)

شهید مطهری در مورد این که کدامین اقوام دارای حجاب بوده‌اند چنین بیان می‌کند: «در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند حجاب وجود داشته است و از آن چه در قانون اسلام آمده سخت تر بوده است اما در عرب جاهلیت حجاب وجود نداشته است و به وسیله اسلام در عرب پیدا شده است.» (مطهری، ۱۳۵۳: ۵)

مهدی قلی هدایت در کتاب خاطرات و فطرت زنانه پوشش در ملل مختلف می‌گوید: «اگر به لباس ملی کشورهای جهان بنگریم به خوبی حجاب و پوشش زن را در می‌یابیم. براون و اشنایور، نویسنده غربی، در کتابی به نام پوشاک اقوام مختلف، پوشاک اقوام گوناگون جهان از عهد باستان تا قرن بیستم را به صورت مصور ارائه کرده‌اند. نگاهی کوتاه به این کتاب روشن‌گر این واقعیت است که در عهد باستان در میان یهودیان، مسیحیان، زرتشتی‌ها، یونانیان و اهالی روم، آلمان، خاور نزدیک و برخی مناطق دیگر پوشش زن به طور کامل رعایت می‌شده است، به گونه ای که زنان چین در معابر عمومی جز در پرده و ملحفه ظاهر نمی‌شدند و در خانه نیز دارای اندرونی و بیرونی بوده‌اند.» (هدایت، ۱۳۶۳: ۴۰۵)

در مجموع می‌توان گفت حجاب به معنای یک رفتار انسانی در طول تاریخ با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده و گرایش‌های مختلفی در هر دوره بر نوع حجاب افراد مؤثر بوده است. اگر چه رسم حجاب در بین اقوام غیر عرب مانند ایران باستان، اروپا، قوم یهود و... مرسوم بوده است. اسلام، نه تنها واضح قانون حجاب نبوده است، بلکه در جهت جلوگیری از افراط و تفریط‌هایی که در طول تاریخ در مورد حجاب به

وجود آمده بود، به قانونمند کردن و تنظیم و تخفیف آن همت گماشته است و آن را به صورتی متعادل، صحیح و متناسب با فطرت انسانی زن ارائه نموده است.

مبانی حجاب در قرآن

حجاب در کلام الله مجید در سوره‌های نور و احزاب به صراحت و وضوح تبیین شده است. «در این آیات شریفه حدود حجاب، آثار و کارکردهای آن بیان گردیده است؛ در حقیقت، حجاب زن مسلمان به فتوای همه مراجع معروف تقلید در این زمان یکی از ضروریات دین است.»^۱ لزوم پوشیدگی زن براساس شش دلیل قطعی قابل اثبات است که هر یک به تنهایی برای اثبات ضرورت حجاب کافی است: ۱- قرآن کریم، ۲- روایات شریفه، ۳- سیره اهل بیت علیه السلام، ۴- براهین عقلی، ۵- فطرت و طبیعت انسانی و تاریخ.

نکته مهم در بررسی حجاب از نظر دین مبین اسلام، این است که نگرشی مطابق با فطرت و هویت حقیقی زنان است که نه تنها یک بُعدی نبوده، بلکه همه ابعاد و جوانب شخصیت زن مسلمان در بُعد مادی و معنوی را مد نظر قرار داده است. از این روی در این مقاله حجاب تنها از دیدگاه قرآن و روایت‌ها مورد بررسی قرار گرفته است که حجاب فیزیکی بدن، حجاب در نگاه، گفتار، رفتار و در قلب را می‌توان اشاره کرد.

حجاب فیزیکی بدن

این بُعد همان محوری است که مورد توجه اکثر دانشمندان، علما، فقها و روشنفکران بوده است. این بخش از حجاب محسوس‌ترین و ملموس‌ترین بُعد می‌باشد. در آیات شریفه قرآن کریم «در سوره نور و احزاب» به این بُعد از حجاب با عنوان «خمار» و «جلباب» تأکید ویژه شده است.

الف. خمار

قرآن کریم از دو نوع حجاب و شیوه پوشش زن سخن به میان آورده است: «خمار» و «جلباب»؛ از خمار در آیه سوره نور سخن گفته شده است: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ»^۲؛ (سوره نور، آیه ۳۰) «خمارهای خود را بر گریبان‌های خویش بیفکنید.» که این قسمت آیه بیان گر کیفیت پوشش است که زن باید آن را بپوشاند.

«خمر»، جمع خمار است و در کتب لغت آمده است: «الخمار ثوب تغطي به المرأة أسما»^۳؛ (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲ م: ۲۹۸) «خمار لباسی است که زن سر خود را با آن می‌پوشاند.» آقای مصطفوی در التحقيق فی کلمات القرآن می‌نویسد: «خمر و خمار به معنی ستر و پوشش است. شراب را خمر گویند؛ زیرا حواس ظاهری و باطنی را می‌پوشاند. به روسری زن نیز خمار گویند؛ زیرا به وسیله آن سرش را می‌پوشاند.»^۴ (مصطفوی، ۱۳۶۰، چ ۳: ۱۲۹) ابن عباس در تفسیر این بخش از آیه شریفه می‌گوید: «تغط شعرها و صدرها و ترائبها و سوالصفا»^۵؛ (طبرسی، ۱۳۸۰، چ ۷: ۱۸۵) «زن موی سر، سینه و دور گردن و زیرگلو خود را بپوشاند.»

«آنچه می‌تواند به این فرمان الهی جامه عمل بپوشاند، مقنعه یا روسری بلندی است که علاوه بر پوشش کامل سر، بر روی گردن و سینه افتد.»^۱ (بیرقی اکبری، ۱۳۷۷: ۳۸) و شهید مطهری معتقد است: «ترکیب لغوی «ضرب علی» در لغت عرب این معنا را می‌سازد که چیزی را بر روی چیز دیگر قرار دهند، به طوری که مانع و حاجبی برای او شمرده شود.»^۲ (مطهری، ۱۳۵۳: ۱۳۸) براساس آیه شریفه و تفسیر ابن عباس، این پوشش سرهر چه که هست، اعم از شال، روسری، مقنعه باید مو، سینه، دورگردن و زیرگلو زن را بپوشاند.

«در زمان جاهلیت و صدر اسلام زنان عرب غیرمسلمان لباس‌های بلند و گشاد می‌پوشیدند، برسر یا شانه خود عبا می‌انداختند و پوششی کوتاه و کوتاه‌تر از جلباب روی سرشان می‌بستند. شهید مطهری به نقل از تفاسیر معتبر از جمله تفسیر کشاف بیان می‌کند که زنان عرب معمولاً پیراهن‌هایی می‌پوشیدند که گریبان‌های شان باز بود، دور گردن و سینه را نمی‌پوشاند و روسری‌هایی هم که روی سر خود می‌انداختند از پشت سر می‌آویختند، قهراً گوش‌ها و بناگوش‌ها و گوشواره‌ها و جلوی سینه و گردن نمایان می‌شد. این آیه دستور می‌دهد که باید قسمت آویخته، همان روسری‌ها از دو طرف روی سینه و گریبان خود بیافکنند تا قسمت‌های یاد شده پوشیده گردد.»^۳ (همان: ۱۳۶ و ۱۳۷)

در ذیل این آیه محمد بن یعقوب کلینی در کافی به سند خود از محمد بن یحیی، از احمد بن محمد بن حکم از سیف بن عمیره از سعد اسکاف از ابی جعفر علیه السلام چنین روایت می‌کند که فرمودند: «استقبل شاب من انصار امراه بالمدينه و كان النساء يتقلعن خلف اذانهن فنظر الميعاد مقبلد فلما جازت نظر الميعاد و دخل في زقاق قد سماه بنی فلان فجعل ينظر خلفها و اعترض وجهه عظم في الحائط أو زجاجة فشق وجهه فلما مفت الامرأة نظر فاذا الدماء تسيل على صدره و ثوبه ؛ فقال، والله و آتین رسول الله(ص) و لأخبرته قال: فأتاه فلماً رآه رسول الله(ص) قال له ما هذا. فأخبره. فهبط جبرئيل عليه السلام بهذه الآية اقل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم و يحفظوا فروجهم ذلك أزكى لهم إن الله خبير بما يصنعون.»^۴ (کلینی، ۱۴۱۳ هـ ق، ج ۵: ۵۲۰)

«یکی از جوانان انصار با زنی از اهالی مدینه روبه رو شد در آن زمان، زنان مقنعه خود را پشت گوش می‌بستند. جوان به زن، که از رو به رو می‌آمد، آن قدر نگاه کرد که زن از مقابل او گذشت و رفت. جوان درحالی که هم چنان از پشت سر، آن زن را نگاه می‌کرد، وارد کوچه بنی فلان شد که ناگاه استخوان یا شیشه‌ای که در دیوار بود، صورت او را درید. وقتی زن رفت، ناگاه جوان متوجه شد که خون روی لباس و سینه اش ریخته است ؛ با خود گفت: به خدا حتماً نزد رسول الله(ص) می‌روم و ماجرا را توضیح می‌دهم. جوان نزد پیامبر(ص) آمد. وقتی که رسول خدا(ص) او را دید پرسید: این چیست ؟ جوان ماجرا را توضیح داد. جبرئیل در این هنگام بر پیامبر چنین خواند: «به مردان بگو که چشمان خویش را ببندند و شرمگاه خود را نگاه دارند، این برای شان پاکیزه‌تر است ؛ زیرا خدا به کارهایی که می‌کنند آگاه است.»^۲ (سوره نور، آیه ۳۰)

ب. جلباب

نوع دوم پوشش جلباب است که در سوره احزاب بدان تصریح شده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يَعْرِفْنَ وَ لَا يُوْذِينَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً.» ۱ (سوره احزاب، آیه ۵۹)

«ای پیامبر، به زنان و دخترانت و زنان مؤمن بگو: جلباب‌های خود را به هم نزدیک سازند تا با این پوشش بهتر شناخته شوند و از تعرض هوس رانان آزار نبینند و خداوند بخشنده و مهربان است.»

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل آیه شریفه آورده است: «الجلابیب جمع جلباب و هو ثوب تشتمل به المرأة فيغطي جميع بدنها او الخمار الذي تغطي به رأسها و وجهها.» ۲ (طباطبایی، ۱۳۹۶ هـ ق، ج ۱۶: ۳۶۱) «جلابیب جمع جلباب است و آن لباسی است که زن آن را در بر می‌کند و همه بدن خود را می‌پوشاند یا مقنعه ای است که سر و صورت خود را به آن می‌پوشاند.» زمخشری نیز در کشف به نقل از ابن عباس همین معنی را به کار برده است و می‌گوید: «الرداء الذي سيته من فوق الى اسفل» ۳ (زمخشری، ۱۳۵۲، ج ۳: ۵۵۹) «در جلباب ردایی است که سراسر بدن را از بالا تا پایین را می‌پوشاند.»

ابن منظور نیز در لسان العرب جلبا را لباس بلند معنا کرده و می‌نویسد: «الجلباب ثوب اوسع من الخمار دون الرداء تغطي به المرأة رأسها و صدرها و قیل هو ثوب واسع دون الملحفة تلسبه المرأة و قیل هو الملحفة» ۴؛ (بیرقی اکبری، ۱۳۷۷: ۴۴) «جلباب لباسی بزرگ تر از سرپوش و کوچک تر از رداست که زن سر و سینه خود را با آن می‌پوشاند و گفته شده است لباسی بزرگ است که از محلفه کوتاه تر است و زن آن را می‌پوشد و گفته شده است همان ملحفه است.»

واژه ادناء در تفاسیر «هم به معنای دنو (نزدیک کردن) آمده.» ۵ (فیض کاشانی، بی تا، ج ۴: ۲۰۳) و «هم به معنای ارحاء و اسدال و آویختن.» ۶ (زمخشری، ۱۳۵۲: ۵۶۵) آیه شریفه می‌فرماید: «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يَعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ...» معنای آیه این است که زنان مسلمان باید جلباب‌های شان را به خود نزدیک کنند یا بر سر بیاویزند تا شناخته شوند به اینکه زن مسلمان آزاد هستند. ۷ (فیض کاشانی، بی تا، همانجا) یا «شناخته شوند به این که پوشیده و با عفت هستند.» ۸ (طباطبایی، ۱۳۹۶ هـ ق، همانجا)

علاوه بر مباحث لغت شناسی، چند نکته ویژه نیز در آیه جلباب وجود دارد:

۱- تأخیر نزول آیات مورد نظر در سوره احزاب پس از آیات خمار در سوره نور. ۱ (عابدینی، بی تا: ۷) با توجه به مسئله تدریجی بودن احکام، این نظر محتمل است که آیه خمار دستور نخستین و آیه جلباب دستور نهایی آن است؛ حجاب برگزیده و برتر مورد نظر اسلام حجاب جلباب است.

۲- عمومیت آیه جلباب بر همه زنان مؤمن و زنان و دختران پیامبر(ص) به عنوان یک حکم نهایی و استثنا ناپذیر. ۲ (هدایت خواه، ۱۳۷۴: ۱۸۴)

۳- دستور بر نحوه پوشش جلباب با عنوان «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» با چیزی مانند عبا و چادر سازگارتر است تا با لباس و روسری؛ زیرا شکل لباس سراسری به گونه ای است که باید اطراف آن را به یکدیگر نزدیک کرد و بر روی هم قرار داد تا بدن را بپوشاند.

۴- اثر اجتماعی پوشش جلباب در این آیه شریفه ذکر شده است در حالی که این اثر برای پوشش خمار بیان نشده: «ذلک أدنی ان یعرفن فلا یؤذین» ن آن آن

؛ این پوشش جلباب نزدیک ترین چیزی است که به وسیله آن ایمان و عفاف تعیین می‌یابد و همان طور که گفتیم به این وسیله زنان مؤمن و عفیف بهتر شناخته می‌شوند تا از تعرض هوس رانان آزار نبینند؛ از همین رو اراذل و اوباش مجبور می‌شوند حساب این زنان متین و پوشیده را از زنان کنیز و.... جدا نمایند. هم چنان که در شأن نزول آیه آمده است: «فانه کان سبب نزولها ان النساء کن یخوص الی المسجد و نعیلین حلف رسول الله(ص) و اذا کان بالیل حرجن الی صلاه المغرب و العشاء الاخر و الغداء یقعد الشبَاب لهن فی طریقهن فیؤذونهن و یتعرضون لهن فانزل الله «یا ایها النبی قل لأزواجک و نباتک و نساء المؤمنین...» الی قوله «۳»؛ (قمی، ۱۳۷۸ هـ ق، ج ۲: ۱۹۹) سبب نزول آیه این بود که زنان برای گزاردن نماز مغرب پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله از منزل خارج می‌شدند و شب هنگام که برای گزاردن نماز مغرب و عشاء و نماز صبح به سوی مسجد می‌رفتند، جوانان بر سر راه آنان می‌نشستند و به آزار و اذیت زنان نمازگزار می‌پرداختند، در این هنگام این آیه شریفه نازل شد و به آن‌ها دستور داده شد حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا به خوبی شناخته شوند و کسی بهانه مزاحمت پیدا نکند. در سوره مبارکه نور آیه شریفه ۳۱ دو نهی وجود دارد. نهی مورد نظر در این مبحث «و لا یدین زینتھن» است؛ «زنان نباید زینت خود را آشکار سازند.»؛ و بلافاصله بعد از آن عبارت «إلا ما ظہر منه» آمده است؛ «زینت‌هایی که آشکار هستند مشمول این نهی نمی‌باشند.»

در تعیین این که از زینت‌ها چه زینت‌هایی نباید آشکار شوند، میان فقها اختلاف رأی وجود دارد. کلمه «زینت» در زبان عربی عام تر از واژه «زیور» در زبان فارسی است؛ زیرا زیور به زینت‌هایی گفته می‌شود که از بدن جدا می‌شود؛ مانند طلاجات و جواهرات، ولی کلمه زینت هم به این دسته گفته می‌شود و هم به آرایش‌هایی که به بدن متصل است؛ مانند سرمه و خضاب. ۱ (مطهری، ۱۳۵۳: ۱۲۸)

«مفاد این دستور آن است که زنان نباید آرایش و زیور خود را آشکار سازند؛ اما استثنای اول می‌گوید: پوشش زینت‌هایی که آشکار است، لازم نیست. پس زینت‌های زن بر دو نوع است: یک دسته آشکارند و نوع دیگر مخفی، مگر آن که زن به قصد و عمد بخواهد آن را آشکار کند؛ اما سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که زینت آشکار کدام است و زینت پنهان کدام؟ درباره این انشاء از قدیم‌ترین زمان‌ها از صحابه و تابعین و ائمه طاهرین سؤال می‌شده و به آن جواب داده شده است. ۱ (همان: ۱۲۹)

ایشان در پایان این مبحث تصریح می‌کنند: «ما این مسئله را از نظر خودمان بیان می‌کنیم و استنباط خودمان را ذکر می‌کنیم و اما هر یک از آقایان و خانم‌ها از هر کس که تقلید می‌کنند عملاً باید تابع مرجع تقلید خودشان باشند.» ۲ (همان: ۱۳۵) شهید مطهری در این مبحث معتقد است: «پوشاندن چهره و دست‌ها تا میج واجب نیست؛ حتی آشکار بودن آرایش عادی و معمولی که در این قسمت‌ها وجود دارد، مانند سرمه و حنا که معمولاً زن از آن خالی نیست و پاک کردن آن‌ها یک عمل فوق العاده به شمار می‌رود نیز مانعی ندارد. ایشان تأکید می‌کنند که نظرشان با فتوای بعضی از مراجع تقلید تطبیق می‌کند، ولی

ممکن است که با فتوای برخی دیگر تطبیق نکند؛ گرچه یادآوری می‌کند که فتوای مخالفی وجود ندارد و هر چه هست احتیاط است نه فتوای صریح.» ۳ (همان، همانجا)

حجاب در نگاه

بُعد دیگر حجاب از دیدگاه قرآن و روایات در «نگاه» است. این بخش از حجاب بعد از بُعد اول، شناخته شده ترین بُعد از ابعاد حجاب است و دستور صریح قرآن کریم بر این بُعد از حجاب دلالت دارد. که حجاب هم برای زن و هم برای مرد است، هم چنان که خداوند در سوره مبارکه نور به مردان و زنان به طور جداگانه امر می‌کند که چشم‌های خود را فرو افکنند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» و «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» ۴. (سوره نور آ آیات ۳۰ و ۳۱)

اصطلاح «غَضَّ بَصَر» در لغت به معنای فرو افکندن چشم می‌باشد و نه فرو بستن آن. «غَضَّ» به تنهایی به معنای کاستن، تخفیف و نگهداری است که هم برای صدا استفاده می‌شود و هم برای چشم؛ برای مثال آیه ۱۹ سوره لقمان می‌فرماید: «وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ»؛ «صدای خود را کوتاه کن.» ۵ (قریشی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۰۵ و ۱۰۴)

شهید مطهری با تأمل در لغت عرب می‌فرماید: «غَضَّ بَصَر» با «غَمَضَّ عَيْن» متفاوت است. «غَمَضَّ» به معنای فرو بستن است که با کلمه عین همراه می‌شود نه کلمه بصر. شهید مطهری «با مبنای فلسفی خود نگاه را به دو دسته «استقلالی» و «آلی» تقسیم می‌کند. «در نگاه استقلالی» یعنی این که نگاه کردن به کسی یا چیزی برای خوب تماشا کردن و برانداز کردن آن برای ارزیابی آن؛ اما «نگاه آلی» یعنی نگاه کردنی که خودش هدف نیست، بلکه به عنوان مقدمه و وسیله سخن گفتن است. بر این اساس، امر الهی به زنان و مردان مؤمن، پرهیز از نگاه استقلالی است نه نگاه آلی؛ یعنی پرهیز کردن از نگاهی که هدفش صرفاً تماشا کردن و لذت بصری بردن و چشم چرانی است.» ۱۰ (مطهری ۱۳۵۳: ۱۲۴ و ۱۲۳)

«بصر» نیز در لغت عرب به ابزار بینایی، یعنی چشم گفته می‌شود و هم به حس بینایی و گاهی نیز به دلالت التزامی به معنای علم است، دلالت دارد.» ۲ (قریشی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۱۹۵)

از مطالب مزبور نکات ذیل را می‌توان به دست آورد:

۱- امر جداگانه نه به مردان و زنان مؤمن به خاطر تأکید این امر.

۲- تقدم امر به مردان پیش از زنان؛ در این دستور مشترک ابتدا مردان مورد خطاب الهی قرار گرفته‌اند و پس از آنان زنان؛ و این امر شاید دلالت بر ضرورت و اولویت این نوع از حجاب در میان مردان داشته است.

۳- تعلق گرفتن امر به مردان و زنان مشروط به شرط ایمان: لازمه ایمان مردان و زنان مؤمن پرهیز از چشم چرانی است؛ در حقیقت بخشی از ایمان افراد مؤمن در گرو پاک داشتن چشم شان از آلودگی‌ها، لذت‌های حرام و آلودگی‌های بصری است.

حضرت رسول(ص) در زمینه نگاه و حرمت آن می‌فرمایند: «از نگاه بعد از نگاه پرهیز؛ زیرا نگاه اول از آن توست و ناخواسته است، اما نگاه دوم به زیان توست و عمدی می‌باشد و نگاه سوم ویران‌گر است.» ۳ (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۱۳: ۳۲۵) و «امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: نگاه بعد از نگاه، بذر شهوت در دل می‌کارد و این خود برای به گناه کشاندن و به فتنه انداختن صاحبش کافی است.» ۴ (همان: همانجا)

حضرت رسول(ص) می‌فرمایند: «پیرامون نگاه حرام و تبعات آن هر که چشم خود را از حرام پرکند، خداوند در روز قیامت چشم او را از آتش پر می‌کند، مگر این که توبه کند و از عمل خود دست بردارد.» ۵ (همان: ۶۳۲۳) نکته مهم آن است که پرهیز از نگاه به نامحرم و نگاه‌های حرام اگر چه در روایات بیشتر مربوط به مردان است ولی همان گونه که آیات شریفه نیز تصریح شد، پرهیز از نگاه خیانت کارانه و نگاه هوس آلود به نامحرم در مورد زنان نیز صدق می‌کند؛ از این رو حضرت رسول(ص) می‌فرماید: «خشم خداوند سخت است بر زن شوهرداری که چشم خود را از غیرشوهر خود یا از کسی که محرم او نیست پرکند.» ۱ (همان: همانجا)

آن چه به «غض بصر» کمک می‌کند، در نظر گرفتن قدرت خداوندی است که از نهانی‌های انسان، آگاه است و ادراک و مشاهده عظمت و جلال خداوند در دل، یاور انسان در حفظ چشم از نگاه به محرمات الهی است. حضرت رسول(ص) می‌فرماید: «بسته شدن چشم‌ها از حرام عامل بازدارنده خوب و توانمندی است برای تهذیب نفس و پاک کردن دل از خواهش‌های نفسانی.» ۲ (همان: ۶۳۱۷) تأمل در این دستور الهی سخنان معصومین: حرمت روابط اجتماعی و حفظ خانواده را تداعی می‌کند که اسلام می‌خواهد جامعه‌ای سالم و بدور از حرام داشته باشد تا همه اقشار بدور از جنسیت بتوانند با امنیت و مصونیت؛ در جامعه کارکردهای خود را به نحو احسن انجام دهند.

حجاب در گفتار

تبیین روشن وحی در باب نحوه سخن گفتن زنان مؤمن با مردان، یکی از مهم‌ترین ابعاد حجاب است که در قرآن ذکر شده است که حتی لحن سخن گفتن زنان را در بُعد روانشناسانه مدنظر قرار داده است. حجاب در گفتار در آیات شریفه قرآن کریم مؤکداً در مورد نحوه گفتار زنان به نامحرم است آنجا که می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا.» ۳؛ (سوره احزاب، آیه ۳۲) «با خضوع در گفتار سخن نگوئید که بیمار دل طمع ورزد، بلکه شایسته و متعارف سخن گوئید.»

مخاطب نخست آیه شریفه، زنان رسول خدا(ص) هستند و سپس تمام زنان مؤمن؛ علامه طباطبایی می‌نویسد: «معنای خضوع در کلام آن است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند تا دل او را دچار ریه و خیال‌های شیطانی نمود، شهوتش را برانگیزند و در نتیجه آن مردی که بیمار دل است به طمع بیفتد و منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات حرام باز می‌دارد.» ۱ (طباطبایی، ۱۳۹۶ هـ ق: ۴۸۲)

بنا به نظر شهید مطهری «مسئله جو از استماع صدای زن جزء مسلمات است و دلیل آن سیره قطعی رسول خدا(ص) و ائمه اطهار علیهم السلام است و دلیل دیگر آن سیره قطعی و رایج میان مسلمانان می‌باشد.» ۲ (مطهری، ۱۳۵۳: ۲۴۳)

ایشان از مرحوم آیت الله طباطبایی یزدی در عروه الوثقی نقل می‌کنند که: «لابأس صوت الاجنبیه مالم یکن تلذذ و لاریبه من غیر فوق بین الاعلی و البصیر و این کان الاحوط التکر فیغیر مقام الضروره و یحرم علیها اسماع الصوت الذی فیه تهییج للسامع بتحسینه و ترقیقہ. قال تعالی: فَلَا تَخْصَنَ بِالْقَوْلِ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ.» ؛ «شنیدن صدای زن در صورتی که تلذذ و ریه نباشد، جایز است ولی در عین حال مادامی که ضرورت نیست ترک آن بهتر است و بر زن حرام است که بخواهد صوت خود را نازک کند و نیکو سازد، به طوری که تحریک آمیز باشد؛ چنان که خدای متعال در قرآن خطاب به زنان پیغمبر(ص) می‌فرماید: در حرف زدن صدا را نازک و مهیج نکنید که موجب طمع بیمار دلان گردد.» ۳ (همان: ۲۴۳ و ۲۴۲)

علامه طباطبایی معتقد است: «آیه مذکور در مجموعه آیاتی قرار دارد که به همسران رسول خدا(ص) مربوط است و به آنان تذکر می‌دهد که از دنیا و زینت آن جز عفاف و رزق کفاف بهره ای ندارد؛ البته در صورتی است که بخواهند همسر او باشند، و گر نه مانند سایر مردم اند.» ۴ (طباطبایی، ۱۳۹۶ هـ.ق: ۴۷۶)

به بیان دیگر شارع مقدس با نهی زنان از خضوع در گفتار با نامحرم، آنان را به حصار امن تقوا دعوت نموده است تا خود و جامعه را از مصایب بی تقوایی و بی پروایی ایمن نگه دارند؛ چرا که نوع سخن گفتن زن از بی حجابی و بدحجابی فیزیکی اغواکننده تر است و به همین دلیل، خداوند متعال همسران پیغمبر را به طریق اولی از آن نهی کرده است. نکته دیگر در آیه شریفه این است که اگر مردی دارای تقوای قلب باشد، حتی کلامی چنین آلوده به دعوت‌های باطل دلش را به هوس نمی‌اندازد؛ چرا که آیه شریفه می‌فرماید: «فیطمع الذی فی قلبه مرض» ۱؛ (سوره احزاب، آیه ۳۲) یعنی اگر زنی بی تقوایی کند و حجاب در گفتار را رعایت ننماید، تنها مردان بیمار دل هستند که در دام شیطان می‌افتند و مردان با تقوا در قلعه ایمان در امانند.

حجاب در رفتار

مقصود از حجاب در رفتار اعمال و افعالی است که به واسطه اعضا و جوارح پدید می‌آیند. آن چه به حجاب در رفتار تعلق می‌گیرد، مجموع چند امر و نهی الهی است:

۱) آشکار ساختن زینت‌های پنهان: خداوند در سوره مبارکه نور می‌فرماید: «وَلَا يَضُرُّ بَنَازَ جُلُوهِنَّ لِيَعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِن زِينَتِهِنَّ»؛ (سوره نور، آیه ۳۱) «به زنان مؤمن بگو آن گونه بر زمین پای نزنند که خلخال و زینت پنهان پاهای شان معلوم شود.» نهی مذکور در آیه شریفه مرتبط با بحث زینت در حجاب فیزیکی است و از به جلوه درآوردن و اظهار زینت‌های پنهان زنانه سخن می‌گوید. اظهار نمودن بدون ظاهر نمودن، یعنی سهل انگاری یا مکر زنانه در جلوه‌گری و خود نمایی. خداوند متعال در آیه شریفه از نحوه خاصی از راه رفتن نهی نموده است؛ راه رفتنی که دیگران را به زینت‌های پنهانی زن آگاه می‌کند.

شهید مطهری در ذیل آیه شریفه چنین می‌گوید: «زنان عرب معمولاً خلخال به پا می‌کردند و برای آن که بفهمانند خلخال قیمتی به پا دارند، پای خود را محکم بر زمین می‌کوفتند. از این دستور می‌توان فهمید که آنچه موجب جلب توجه مردان می‌گردد؛ مانند استعمال عطرهای تند و زننده و هم چنین آرایش‌های جالب نظر در چهره ممنوع است و به طور کلی زن در معاشرت نباید کاری بکند که موجب تحریک و تهییج و جلب توجه مردان نامحرم گردد.» (مطهری، ۱۳۵۳: ۱۴۵)

برخی دیگر از صاحب نظران معتقد هستند آن چه در این بخش از آیه شریفه از آن نهی شده است، آشکار شدن هر گونه زینت و زیبایی‌های زنانه است که پنهان است و باید پوشیده بماند و این اعم از صدای النگو و صدای پاشنه کفش است که موجب جلب توجه نامحرم به خود زن یا پای زن می‌باشد. از سوی دیگر، زینت پنهان می‌تواند پوشیدن لباس‌ها و زینت‌های خاصی در زیر چادر باشد که با اندک کنار رفتن چادر، آن زینت‌ها آشکار شده و ناقض حجاب می‌گردد. «۱ (شجاعی، ۱۳۸۵: ۱۷۷)

۲) استعمال عطر: از جمله مواردی که به شدت از آن نهی شده است، این است که زن به هنگام خروج از خانه خود را معطر سازد، به طوری که بوی عطر وی به مشام نامحرم برسد. حضرت پیامبر(ص) می‌فرمایند: «هر زنی که به خود عطر بزند و از خانه اش خارج شود تا وقتی که به خانه اش برگردد لعنت و نفرین می‌شود [تا] هر وقت که برگردد.» (شعبه الحرائی ۱۳۶۳: ۴۲) آن چه مسلم است، این است که عطر زدن برای خانم‌ها نه تنها اشکالی ندارد بلکه استحباب نیز دارد، به خصوص که برای همسر باشد. آن چه که از آن نهی شده این است که زن موقع بیرون رفتن از منزل و یا موقعی که با نامحرم در تماس است، طوری عطر بزند که بوی آن به مشام نامحرم برسد و ایجاد مفسده کند.» (همان، ص ۱۷۸)

۳) آرام گرفتن در خانه و پرهیز از تَبَرَج جاهلی: در آیه شریفه ۳۳ سوره احزاب به زنان پیامبر(ص) علاوه بر تقوا، امر می‌شود که در خانه‌های خود آرام و قرار گیرند و هم چون جاهلیت نخستین در میان جمعیت ظاهر نشوند.» ۳ (سوره احزاب، آیه ۳۳)

«کلمه «قَرَن» امر از ماده قرء است که به معنای پا برجا شدن است و ممکن است از ماده قازیقار به معنای اجتماع و کنایه از ثابت ماندن در خانه‌ها باشد. «۴ (طباطبایی، ۱۳۹۶ هـ.ق: ۴۸۳) و کلمه «برج» یعنی آشکار شدن. صاحب مجمع البیان می‌گوید: «تَبَرَج آن است که زن زیبایی‌های خود را اظهار کند. اصل آن به معنای ظهور است و به عبارتی دیگر، از آن جهت به آن «برج» گویند که ظاهر و هویدا است. زمخشری نیز در کشاف می‌گوید: «بدو و برز» به معنای ظهور و نظیر تبرج هستند. اشتقاق بروج از تبرج است به جهت ظاهر بودن آن‌ها. براساس نظرات تفسیری مذکور، معنای آیه شریفه «و تبرجن تبرج الجاهلیه الاولى»؛ «ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید مانند خودنمایی «جاهلیت اولی».» ۵ (قریشی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۷۴)

نکته ای که در این آیه شریفه مطرح گردیده است «تَحَرُّز و پرهیز از آمیزش و مراوده با مردان بیگانه» اختصاص به زنان رسول خدا(ص) ندارد بلکه و شامل عموم زنان می‌شود. همان گونه که در روایت‌های بسیاری آمده است که بهترین محیط زندگی برای زن خانه اش است، حتی ثواب نماز زنان جوان در خانه

به مراتب از حضور در مساجد و مجامع بالاتر شمرده شده است و البته این بدان معنی نیست که زن از فعالیت اجتماعی محروم باشند.

مقصود از این دستور زندانی کردن زنان پیغمبر(ص) و هیچ زنی در خانه نیست؛ زیرا تاریخ اسلام به صراحت گواه است که رسول خدا(ص) زنان خود را با خود به سفر می برد و آنان را از بیرون شدن از خانه منع نمی فرمود. بلکه مقصود از این دستور، آن است که زن به منظور خودنمایی از خانه بیرون نشود. آن چنان که امروز عده ای از زنان برای بیرون رفتن از خانه و خودنمایی و پرسه زدن در خیابان ها، ساعت ها در پای میز آرایش به سر و وضع خود و لباس خویش می رسند.» ۱ (هدایت خواه، ۱۳۶۳: ۱۸۶)

حجاب در قلب

خداوند متعال در برتری تقوای دل در امر حجاب در سوره احزاب، آیه ۵۳ می فرماید: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ» (سوره احزاب، آیه ۵۳)؛ «هنگامی که از همسران پیامبر(ص) چیزی خواستید از پشت حجاب و پرده از ایشان بخواهید که این کارتان برای دل های شما و دل های ایشان پاکیزه تر است.»

در ذیل آیه صاحب تفسیر نمونه چنین بیان می کند: «هنگامی که رسول خدا(ص) با زینب ازدواج کرد، ولیمه نسبتاً مفصلی به مردم داد. انس که خادم مخصوص پیامبر(ص) بود می گوید: پیامبر(ص) به من دستور داد که اصحابش را به غذا دعوت کنم، من همه را دعوت کردم، دسته دسته می آمدند و غذا می خوردند و از اتاق خارج می شدند، تا این که عرض کردم: ای پیامبر خدا ؛ کسی باقی نماند که من او را دعوت نکرده باشم، فرمود: اکنون که چنین است سفره را جمع کنید، سفره را برداشتند و جمعیت پراکنده شدند، اما سه نفر هم چنان در اتاق پیامبر(ص) ماندند و مشغول بحث و گفتگو بودند. آیه نازل شد و دستورات لازم را بیان کرد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ج ۳، ۶۰۷)

از بعضی قرائن استفاده می شود «که گاهی همسایگان و سایر مردم طبق معمول برای عاریت گرفتن اشیایی نزد بعضی از زنان پیامبر(ص) می آمدند، برای حفظ حیثیت همسران پیامبر(ص) آیه نازل شد و به مؤمنان دستور داد که هر گاه می خواهند چیزی از آن ها بگیرند، از پشت پرده بگیرند.» ۱ (بابایی، ۱۳۸۰: ج ۳: ۶۲۵)

علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه می نویسد: «درخواست متاع از همسران حضرت، کنایه از این است که مردم با آن ها درباره حوایجی که دارند، سؤال کنند ؛ یعنی اگر به خاطر حاجتی که برای شما پیش آمده ناگزیر شدید با یکی از همسران آن جناب صحبتی بکنید از پس پرده صحبت کنید، برای این که وقتی از پشت پرده صحبت کنید دل های تان دچار وسوسه نمی شود و در نتیجه، این روش دل های تان را پاک تر نگه می دارد.» ۲ (طباطبایی، ۱۳۹۶: حق: ۵۲۸)

نکته حایز اهمیت در این مورد که جزء دستورات ویژه برای زنان پیامبر(ص) است و نه دستور عمومی برای تمام زنان آن است که خداوند این نحوه پوشش خاص را برای رعایت حجاب در قلب ذکر می نماید. نکته دیگری که در این آیه ذکر شده است پاک ماندن قلب مردان را پیش از قلب زنان بیان نموده است

و چه بسا بتوان از این نکته استفاده نمود که این تقدم نشان دهنده آسیب‌پذیری دل مردان بیش از زنان است؛ چرا که زنان پیامبر(ص) در مأمن و مأوی زوجیت آن حضرت در امانند، اما کسانی که بیش از پیش از ایشان می‌توانند در معرض خطر باشند، مردانی هستند که به خانه رسول خدا(ص) مراجعه و با زنان ایشان مواجه می‌شوند؛ البته زنان نیز باید دل خود را پاک نگه دارند و از این رو، پرده پوشی و حفظ حجاب و عفاف برای پاکی دل آنان نیز بهتر است.

برای آن که کسی حریم الهی را در حیطة تعامل با افراد نامحرم به درستی رعایت نموده و حیطة حجاب و پوشش را حفظ کند، لازم است بعد قلبی حجاب را جدی تلقی نماید و در این زمینه، تسامح و تساهل روا ندارند که دروازه دل، چشم است و «دل کتاب چشم است.» (محمد ری شهری، ۱۳۷۷: ۶۳۱۵) یکی از راحت‌ترین و مهم‌ترین راه‌ها برای حفظ دل، حفظ نگاه از نامحرم است؛ به قول شاعر:

زدست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند دل کند یاد
بسازم خنجری نیشش ز فولاد زخم بر دیده تا دل گردد آزاد

در دنیایی که در تبلیغات رنگارنگ خویش که فرهنگ برهنگی و سقوط اخلاقی و ارزش‌های انسانی نماد برتری و پیشرفت و توسعه!! را جلوه گر ساخته است، دین مبین اسلام با فرهنگ پوشش و توجه به هویت انسانی، معنویت و جاذبه روحی و آرامش را در جامعه نمایان ساخته است. زیرا قاموس الهی بر اساس فطرت، هویت، توانایی و جاذبه‌های فیزیکی زن و مرد نازل شده است، که اگر جوامع انسانی اگر تنها به فطرت و دستورات الهی عمل کنند به جایگاه و هویت اصلی خود دست پیدا می‌کنند و جامعه با امنیت و مصونیت می‌تواند راه خویش را طی کند.

جمع‌بندی

فرامین الهی از جمله حجاب هم از مرحله صحت تا مرحله قبول، دارای درجات و مراتبی است که حداقل آن، شرط تمامیت است که در «حجاب خمار» جلوه گر می‌شود و حد کمال آن در جامعیت ابعاد پنج گانه حجاب قرآنی «جلباب» به تجلی می‌آید.

پوشش بدن به جز وجه کفین و مهار کردن جاذبه‌های جنسی زنانه معیار حجاب الهی و قرآنی است که اگر در پوشش چند قطعه ای خمار و به تناسب فرهنگ و تمدن هر ملتی عینیت یابد، نمره صحت عمل را در منظر آیات شریفه به دست آورده است و اگر ابعاد قلبی، گفتاری و رفتاری و بُعد نگاه را نیز در پوشش یکسره جلباب تجلی بخشد، نمره کمال و برتری الهی را کسب نموده است.

این امر نشان دهنده این است که در دین مبین اسلام با طرح و تأکید حجاب به تمام جوانب شخصیت زن و مرد در اجتماع توجه کرده است و با توجه به آن حجاب را به صورتی متعادل و متناسب مطرح نموده است تا جامعه ای سالم و به دور از فساد داشته باشیم تا انسان‌های به ما هو انسان بتوانند در کمال مصونیت و امنیت به کارکردها و نقش‌های خویش بپردازند و سیر کمال و سعادت را با پیروی از دستورات و مبانی دینی در جامعه بشری با لطافت معنوی و کمال حقیقی تجربه کنند.

منابع

(عربی)

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، تهران: گلبان، ۱۳۸۰.
- ۱ - ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین. لسان العرب. بیروت: دارصادر. ۲۰۰۰ م، ج ۴.
 - ۲ - زمخشری، ابوالقاسم محمد بن عمر. تفسیر کشاف. قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۲، ج ۳.
 - ۳ - راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل. مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالشامیه. ۱۹۹۲ م.
 - ۴ - طباطبایی، محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۹۸ ق، ج ۱۶.
 - ۵ - طباطبایی یزدی، محمد کاظم. عروۃ الوثقی. قم. کراوری. ۱۳۷۳.
 - ۶ - طبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن. مجمع البیان. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی. ۱۳۸۰، ج.
 - ۷ - فیض کاشانی، محمد حسن. تفسیر الصافی. مشهد: دارالمرتضی. بی تا، ج ۴.
 - ۸ - قمی، ابی الحسن علی بن ابراهیم. تفسیر القمی. نجف. بی تا. ۱۳۷۸ هـ ق، ج ۲.
 - ۹ - کلینی، محمد بن یعقوب اسحاق. اصول کافی. بیروت. دارالاضواء. ۱۴۱۳ هـ ق، ج ۵.

(فارسی)

- ۱ - الحرائی، حسین بن شعبه، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین ۱۳۶۳.
- ۲ - بابایی، احمد علی. برگزیده تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۹، ۱۳۸۰، ج ۳.
- ۳ - بیرقی اکبری، محمد رضا. تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر. اصفهان: پیام عزت، ۱۳۷۷.
- ۴ - شجاعی، محمد. درو صدف. قم: محیی، ج ۵، ۱۳۸۵.
- ۵ - عمید، حسن. فرهنگ عمید. تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۷.
- ۶ - قریشی، علی اکبر. قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸، ج ۵، ج ۱.
- ۷ - محمدی آشنانی، علی. حجاب در ادیان الهی. قم: اشراق، ۱۳۷۳.
- ۸ - محمدی ری شهری، محمد. میزان الحکمه. ترجمه حمید رضا شیخی. قم: دارالحديث، ۱۳۷۷، ج ۱۳.
- ۹ - محمدی نیا، اسداله. بهشت جوانان. قم: سبط اکبر علیه السلام، ج ۱۹، ۱۳۸۳.
- ۱۰ - مصطفوی، حسین. التحقیق فی کلمات القرآن. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰، ج ۳.
- ۱۱ - مطهری، مرتضی. مسئله حجاب. تهران: نشریه انجمن اسلامی. ۱۳۵۳.
- ۱۲ - معین، محمد. فرهنگ فارسی. تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۹، ج ۱.
- ۱۳ - مکارم شیرازی، ناصر. برگزیده تفسیر نمونه. تصحیح احمد علی بابایی. قم: دارالکتب الاسلامیه، ج دوم، ۱۳۷۶، ج ۳.
- ۱۴ - هدایت، مهدی قلی. خاطرات و خطرات. تهران: زوار، ج ۴، ۱۳۶۳.
- ۱۵ - هدایت خواه، ستار. زیور عفاف. مشهد: معاونت پرورشی سازمان آموزش و پرورش خراسان، ۱۳۷۴.
- ۱۶ - مرتضی مطهری، مسأله حجاب، چاپ جدید، ص ۸۳.